

لندن گردی

یاد اتوبوس‌های دو طبقه نارنجی به خیر، در لندن اتوبوس‌ها دو طبقه، خیابان‌ها کم عرض و یک طرفه است. انگلیسی‌ها عجیب اعتقاد به نگهداری آثار قدیمی دارند. یادش به خیر، اتوبوس‌های دو طبقه در تهران هم بود و ما بدو بدو التماس به مادرها که برویم طبقه بالا و شاگرد راننده هم قسمت آخر یا اول اتوبوس می‌نشست. بلیط دو ریالی را می‌گرفت و پاره می‌کرد. عجب کاری بود! مثلاً می‌گفت مخبرالدوله، مخبرالدوله نبود، برو... و راننده بدون توقف به ایستگاه بعد می‌رفت. چه دوران بی‌خبری بود. اما در لندن هنوز این اتوبوس‌ها را نگه داشته‌اند، البته مترو و تاکسی هم بود که برای ما تاکسی فوق‌العاده گران می‌افتاد. مثلاً دو ایستگاه ۴۰ پوند می‌شد که برای من که پوند را گران خریده بودم، گران بود و ناامن. توصیه می‌کنم هر کشوری که رفتید اتوبوس سوار شوید، هم فال است و هم تماشا. مسیر رفت و برگشت به دلیل یک طرفه بودن خیابان‌ها فرق داشت. با یک تیر دو نشان زدم و حسابی لندن گردی داشتم. بعضی از اتوبوس‌های دو طبقه توریستی بدون سقف است.

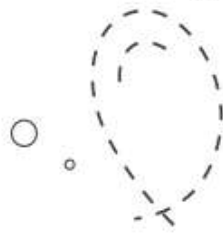
خلاصه از جلوی هاید پارک رد شدم و بلافاصله از ذوقم بدو بدو آمدم تا در ایستگاه پیاده شوم. هاید پارک یکی از ۴ پارک سلطنتی لندن با باغ کنسینگتون ۲۵۳ هکتار مساحت دارد. در گذشته تحت اختیار کلیسای وست‌مینستر بود و هنری



هشتم آن را از کلیسا گرفت و مدتها آن را به صورت شکارگاه در آورد. فواره‌ها و مجسمه‌های زیبا، جلوه‌ی خاصی به این پارک زیبا داده‌اند. کنسرت‌ها در اینجا برگزار می‌شود و کنار دریاچه، غازها و انواع پرندگان زیبا خودنمایی می‌کنند. محل پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری جداگانه است و در این ساعت بیشتر سالمندان و مادران جوان با کالسکه مشغول پیاده‌روی در این پارک بسیار بزرگ هستند. به دنبال ایستگاه اتوبوس بودم و البته گم شدم. تا دهان باز کردم تا از آقای آدرس را بپرسم، زودتر از من پرسید:
-ایرانی هستی؟

۱۷۰

با خوشحالی که یک هموطن پیدا کرده‌ام، گفتم:
-بله، بله. ممکنه راهنمای کنید، کدوم ایستگاه سوار بشم.
-مامور دولتی هستی؟ یعنی جاسوس هستی؟
-من! من! چه طور مگه؟
-دروغ هم که میگی!
شوکه شده بودم.
-دروغ! چرا دروغ بگم؟
-از سر و شکلت معلومه، امنیتی هستی. تو رو چه به اینجا؟
کجا بریم که از شرتون خلاص شیم؟!
این را گفت و رفت. در حال شوک بودم، حتی حاضر نشد به عنوان هموطن مسیر را بگوید. بالاخره به اتوبوس رسیدم و عصبانی از برخورد او، مسیر دیگر و در جهت دیگری را سوار شدم.



منطقه به طور کامل برایم ناآشنا آمد. یک خانم تنها، بدون هیچ آشنایی در یک شهر غریب! واقعاً اگر اتفاقی برایم می افتاد و خدای نکرده در اثر حادثه‌ای، می مردم یا مریض می شدم. بی هویت و بی نام و نشان، کسی منتظم نبود! گاهی اوقات، این افکار از مغزم عبور می کرد و می گفتم، "توکل بر خدا. خدایا مراقبم باش، تو می دانی که غریب هستم. باید ریسک کنم تا انگلیس و به خصوص لندن زیبای آن را ببینم." حالا که به آن روزها فکر می کنم، از شجاعت و اعتماد به نفس ام شگفت زده می شوم. من در لندن تنهایی، غربت و بی همزبانی و بی کسی را با بندبند وجودم لمس کردم.

"به دریا در منافع بی شمار است

اگر خواهی سلامت بر کنار است"

زندگی همیشه بر وفق مراد نیست. احتیاج به ریسک دارد. با سفر به خداوند نزدیک و نزدیکتر می شدم و توکل می کردم. او از رگ گردن به ما نزدیک تر است. به خداوند می گفتم، "تو قادر متعال هستی، پس مراقبم باش." خلاصه از اتوبوس پیاده شدم. چند دقیقه‌ای که رفتم، یک دفعه جلوی خانه‌ی چارلز دیکنز، خالق داستان الیور توئیست سر در آوردم. خانه‌ای بسیار کوچک با یک اتاق و آشپزخانه و حیاطی بسیار کوچکتر در پشت ساختمان، همراه چند عکس و کتاب‌هایی که نوشته بود و در کتابخانه‌ی او دیده می شد با میز تحریری چوبی در سه گوش



اتاق و قلم و وسایل شخصی او که روی میز گذاشته بودند تا دقیقاً همان حال و هوا را حفظ کرده باشند. به طبقه‌ی بالا رفتم. وای چقدر جالب بود. ماکت تمام شخصیت‌های معروف الیورتویست را ساخته بودند. خانه‌ی چارلز دیکنز هم مثل خانه‌ی شکسپیر با همان دکور دست نخورده، نگهداری می‌شد. یکی از داستان‌های او هم در حال پخش بود. کمی آنجا ایستادم و بعد از حدود نیم‌ساعت بیرون آمدم تا به ایستگاه اتوبوس رفته و به طرف خانه بروم.



خانه‌ی چارلز دیکنز





موزه مادام توسو



خانه شکسپیر



چرخ فلک چشم لندن

بلندترین چرخ و فلک اروپا که با ارتفاع ۱۳۵ متر کنار رودخانه تایمز است. با ۳۲ محفظه کپسول نمادی از ۳۲ منطقه‌ی لندن. نمای ۳۶۰ درجه‌ی شهر طی ۳۰ دقیقه.

ساعت بیگ بن Big Ben بزرگ‌ترین و معروف‌ترین برج ساعت جهان و نزدیک پارلمان است. برج ساعت ۹۶ متر ارتفاع دارد. عقربه و دقیقه‌شمار آن حدود ۴ متر و حدود ۱۰۰ کیلوگرم وزن دارد. طول هر عدد روی صفحه ۶۰ سانتی‌متر است. زنگ ساعت هر ۱۵ دقیقه یک‌بار به صدا در می‌آید و از فاصله ۸ کیلومتری قابل شنیدن است.

۱۷۹



چرخ فلک چشم لندن



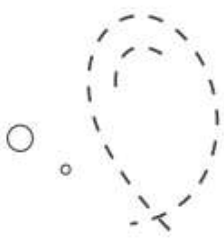


۱۸۰

جرفلک چشم لندن



جرفلک چشم لندن



برج لندن و پل لندن

برج لندن در سال‌های دور، قصر سلطنتی و قلعه نظامی بوده است و امروزه مجموعه‌ی جواهرات سلطنتی ۲۳۵۷۸ قطعه‌ی گرانبها از انواع زمرد، الماس و سنگ‌های قیمتی دیگر در آن نگهداری می‌شود.

پل لندن بر روی رودخانه تایمز ساخته شده، متحرک و معلق می‌باشد و این خصوصیت امکان عبور کشتی‌ها را از زیر پل راحت کرده است.



برج لندن



سفر به لس آنجلس

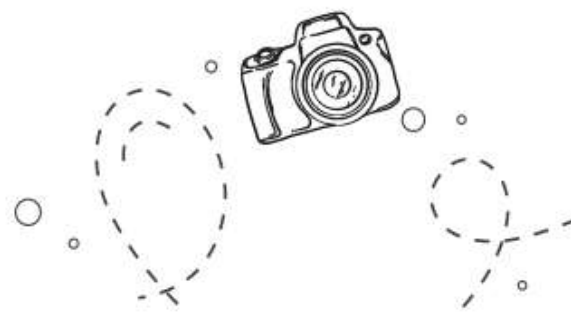
لس آنجلس یکی از شهرهای ایالت کالیفرنیا و دومین شهر پرجمعیت آمریکا می‌باشد.

مرکز هنر، تئاتر، موسیقی و کنسرت... بیشترین جمعیت ایرانیان در این شهر هستند؛ شهر گرانی است. از اجاره مسکن، تا خرید پوشاک و مواد غذایی همه مشمول مالیات می‌شوند. اما در شهر بیورتن برای پوشاک و مواد غذایی مالیات نمی‌دهند. در آمریکا هر ایالتی قوانین مخصوص به خودش را دارد، مثلاً در بیورتن نمایندگان می‌خواستند تغییر ساعت فصول را لغو کنند.

۲۱۰

پارک دیزی لند

یکی از نقاط دیدنی این شهر پارک معروف دیزلند که والت دیسنی کارگردان و انیمشین‌ساز معروف آمریکایی مؤسس آن بوده است و امروزه در کشورهای مختلف دنیا شعبه دارد. مثل ژاپن، پاریس، دبی و سایر شهرهای معروف دنیا. سالانه بیش از ۱۵ میلیون توریست از این پارک دیدنی بازدید می‌کنند. شخصیت‌های معروف کارتونی مثل میکی موس و سیندرلا در این جا ساخته شده‌اند. شهر بازی بزرگی دارد با انواع و اقسام وسایل بازی، استودیو فیلمبرداری و کارگاه عروسک‌سازی.





پارک دیزی لند

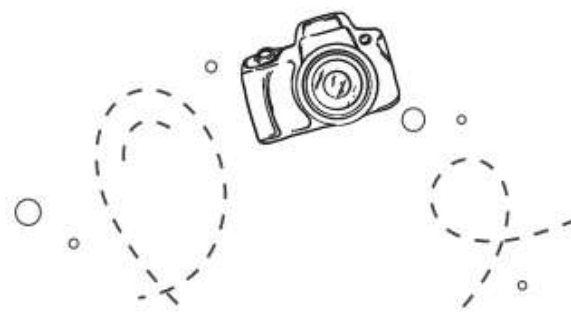


پارک دیزی لند



هالیوود

امروز با تور به هالیوود می‌رویم، بلیط نفری ۱۰۰ دلار است. به شهر سینمایی آمریکا که به خاطر شهرت و هویت فرهنگی‌اش به‌عنوان مرکز تاریخی استودیوهای فیلم‌سازی شناخته شده و مصداقی از «صنعت سینما و تلویزیون آمریکا» محسوب می‌شود. چه حقه‌های سینمایی! چه فیلم‌هایی! مانند فیلم کوسه که چقدر انسان خورد اما دوتا کوسه پلاستیکی بودند که در حوضچه‌ای نسبتاً بزرگ با یک موتور آبی برای حرکت آن تولید امواج می‌کرد، آن را به نمایش گذاشته بودند. یا درجایی دیگر لاشه هواپیما را در یک استودیو گذاشته، یا قسمتی دیده می‌شد که مثلاً سیل دارد مردم شهری را با خودش می‌برد. صحنه جالبی بود، یک سطح شیب‌دار یک متری داشت که با استفاده از دوربین‌های مخصوص صحنه‌ای دلیزیر و یا دلهره‌آور به وجود می‌آوردند. از صبح تا شب آنجا بودیم و در خیابان ستارگان پیاده‌روی کردیم. شهردار لس‌آنجلس در یکی از پیاده‌روها بعد از مرگ هر هنرمند تأثیرگذار، در زمینه‌های مختلف؛ یک پلاک یادبود ستاره بر روی زمین نقش می‌اندازد.





٢١٥



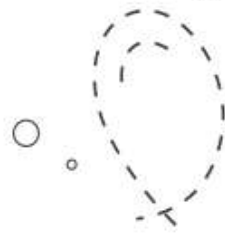
لس آنجلس - هاليوود





لس آنجلس - منطقه گرانقیمت بورلی هیز

امان از ایرانیان و هموطن‌های عزیز چه لذتی در خرید چند تکه لباس مارک‌دار مثل نایک، آدیداس و غیره است؟ که ۱۰۰ دلار بلیط را نخریدند و عقیده داشتند از تلویزیون رایگان می‌توانند شهر سینمایی آمریکا را ببینند و خرید لباس اصل مهم‌تر است! هرچه راهنمای تور سعی کرد قانعشان کند، این همه راه آمدید که لباس بخرید؟ و باعث تأسف است که برای مکان‌های دیدنی هزینه نمی‌کنید بی‌فایده بود. نمی‌دانم این چه خصلتی که ایرانیان به هر کشور و شهری می‌روند، فقط به بازار و خرید فکر می‌کنند. هموطن عزیز شما هزینه و سختی و رنج سفر را تحمل می‌کنید تا در کشور و شهر دیگری خرید کنید؟!



لاس وگاس

لاس وگاس به شهر گناه معروف است. شهر خوش گذرانی، قمار، زن و شراب و سکس. شک داشتم به این شهر بروم یا نروم، من با روسری و حجاب، به من اطمینان دادند که موردی ندارد و زنان عرب و محجبه زیادی به آنجا می‌روند و مشکلی ندارد.

هتل‌های رنگارنگ

نماد هر کشوری آرم هتلی است؛ انگار که وارد پاریس شده‌ای، یا وارد مصر و اهرام ثلاثه و... شهر گرانی است و آب آشامیدنی ندارد. باید آب را خرید، من هم چند روز است که هر سه وعده فقط شیرینی و تخم‌مرغ و قهوه می‌خورم. یکی از همسفرانم به من گفت:

— خانم فائزی اینجا سوسیسی و کالباس‌های خوشمزه‌ای داره، چه طور طاقت میارید نخورید؟
به او گفتم:

— سخت نیست کار نمی‌کنم که خیلی گرسنه و به غذای بیشتری نیاز داشته باشم.

امشب ژانویه است و ما همه باهم یک ماشین لیموزین اجاره کردیم تا کرایه را تقسیم کنیم. وقتی فیلم لیموزین را می‌بینی، یا می‌شنوی لیموزین سواری، فکر می‌کنی چه خبر است! به نظر من که خبری نبود. در اینجا قانون تساوی حقوق، بین زن و مرد اجرا می‌شود. بیشتر مشاغل شرایط احراز خاصی ندارند.





لاس وگاس



لاس وگاس



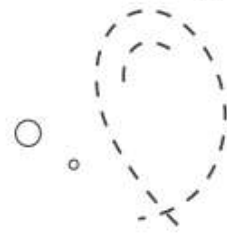
آمریکا

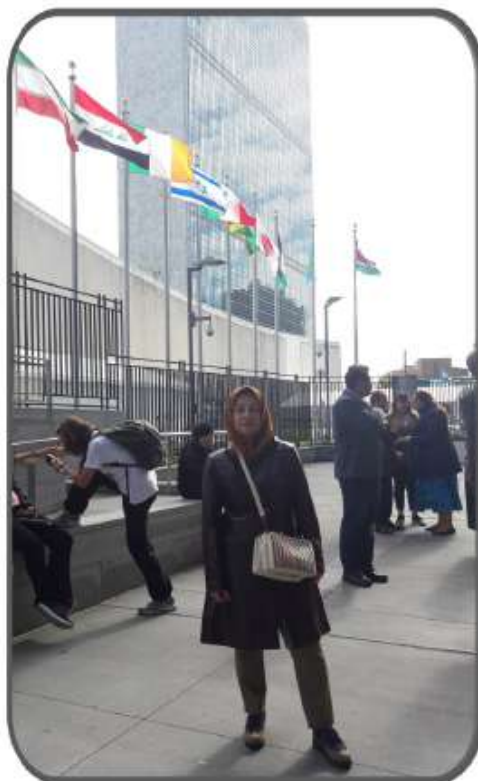
قسمت دوم

پاییز سال ۱۳۹۵

۲۴۶

ششم فروردین مادر عزیزتر از جانم در یک چشم به هم زدن به رحمت خداوند رفتند و با حضرت عزرائیل در دنیای دیگری پا گذاشتند و من را در این دنیا تنها و بدون پشتیبان گذاشتند. در پاییز دوباره تصمیم گرفتم به آمریکا برگردم و این بار از طریق نیویورک و فرودگاه جان اف کندی به آمریکا برگشتم چه فرودگاهی سرسام می‌گیرید از بزرگی، الحمدلله یکی از آشنایان به دنبال آمدند و گر نه حتماً گم می‌شدم. در نیویورک به یک تور ایرانی پیوستم و با ایرانیان یک سفر یک ماهه به چند ایالت رفتیم. چند روز در نیویورک ماندیم و راهنمای تور هم که ایرانی هستند برای بازدید از سازمان ملل باید وقت می‌گرفتند و بلیط می‌خریدند. متأسفانه بازهم ایرانیان ترجیح می‌دهند لباس اصل مارک‌دار بخرند. باورکردنی نیست، این همه خرج کردند و شرایط سفر و راه دور آمدند آمریکا که لباس مارک‌دار بخرند. پول برای ورودی به داخل سازمان ملل نمی‌دهند؛ و بعد هم رفتیم نیوجرسی و مجسمه آزادی و سوار کشتی تفریحی شدیم. یک روز هم به منهتن رفتیم و به خیابان وال‌استریت بزرگ‌ترین مرکز بورس دنیا رفتیم.





نیویورک - سازمان ملل متحد

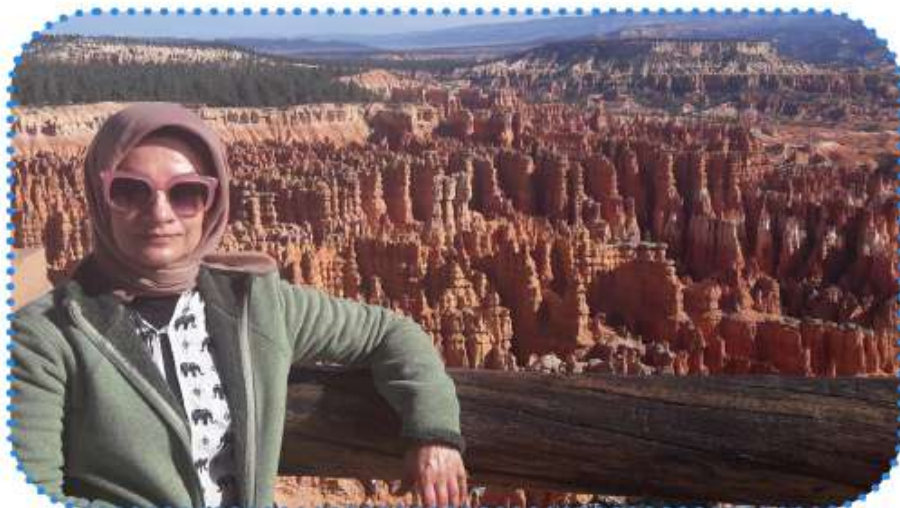


۲۵۹



داخل و خارج کنگره آمریکا





گرند کانیون





دره آتولپ

